



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

احسان (قرآن)

احسان برگرفته از **حسن** معنایی برتر از **عدالت** دارد؛ زیرا عدالت آن است که **انسان** آنچه بر عهده اوست بدهد و آنچه سهم اوست بگیرد ولی احسان این است که بیش از آنچه وظیفه اوست انجام دهد و کمتر از آنچه **حق** اوست بگیرد.
[\[۱\] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۱۱۸.](#)

فهرست مندرجات

- ۱ - مفهوم شناسی
- ۲ - مفهوم احسان در قرآن
 - ۲.۱ - خوبی و نیکی به دیگران
 - ۲.۲ - انجام عمل به نحو نیکو و کامل
 - ۲.۳ - انجام کارهای نیک و رفتار صالح
- ۳ - مفهوم محسنین در قرآن
 - ۳.۱ - نیکی کننده به دیگران
 - ۳.۲ - عمل صالح و رفتار نیکو
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

مفهوم شناسی

واژه «احسان» از ریشه «حسن» به معنای زیبایی و **نیکی** می‌باشد که در **قرآن** در سه معنا به کار رفته است: ۱. تفضل و نیکی به دیگران، ۲. انجام و سر و سامان دادن به کارها به وجه نیکو و کامل، ۳. انجام اعمال و رفتار صالح. احسان در این کاربرد تقریباً مترادف با **تقوا** و پرهیزکاری است. از بررسی موارد کاربرد واژه «**محسن**» و مشتقاتش در قرآن، استفاده می‌شود که این واژه دارای دو معنی و کاربرد است: ۱. نیکی و خیر رساننده به دیگران، ۲. انجام دهنده اعمال و رفتارهای **صالح** و **نیک**. مقام محسنان در این کاربرد از برخی مقامت **متقیان** برتر است، و به طور کلی این واژه در این معنی و کاربرد خود بیشتر به کسانی اطلاق شده که از ایمانی راسخ و ثبوت قدم در راه **ایمان** و انجام **تکالیف الهی** برخوردار بوده‌اند. واژه «احسان» و «محسنین» از ریشه «حسن» است. لغت شناس معروف، **ابن فارس**، درباره معنی «حسن» می‌نویسد: «الحاء و السین و النون، اصل واحد، فالحسن ضد القبح»؛ این واژه ریشه تک معنایی دارد، و به معنای ضد و مخالف زشتی است.»

[\[۲\] احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۷.](#)

البته ضد و مخالف **زشتی** ممکن است هر یک از معنای زیبایی و یا نیکی باشد، و در نتیجه واژه حسن در هر یک از «جمال و زیبایی» و «خوبی و نیکی» قابل کاربرد و اطلاق است. همچنان که در **قاموس قرآن** به مطلب فوق تصریح شده است: «حسن بر وزن قفل، زیبایی، نیکویی، هر دو این معنی در قرآن یافت می‌شود، مثل «و لا ان تبدل بهن من ازواج ولو اعجبک حسنهن الا ما ملکتم یمینک وکان الله علی کل شیء رقیبا

[\[۳\] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۵۲.](#)

؛ و نه تو را است که آنها را به همسران دیگر عوض کنی، اگر چه «زیبایی» ایشان تو را به شگفت آورد.» و مانند: «و وصینا الانسلن بوالدیه حسنا

[\[۴\] عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۸.](#)

؛ انسان را نسبت به **پدر** و **مادرش** به نیکی سفارش کرده‌ایم»

[\[۵\] قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۳۴.](#)

تعریفی که **راغب اصفهانی** از واژه «حسن» ارائه می‌دهد نیز مؤید مطلب فوق می‌باشد؛ ایشان می‌نویسد: «الحسن عباره عن کل مبهج مرغوب فیه؛ حسن عبارت است از هر چیز بهجت آفرین و شادی بخش که مورد **رغبت** و **آرزو** باشد»،

[\[۶\] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۱۱۸.](#)

زیرا بدیهی است که امر خوشایند شامل هر یک از «زیبایی» و «نیکی» می‌گردد. البته نویسنده کتب لغت قاموس به یکی از دو کاربرد «حسن» دقیقاً اشاره کرده و آن را به زیبایی معنا نموده است: «الحسن الجمال». علاوه بر دو آیه‌ای که پیش تر درباره کاربرد واژه «حسن» در هر یک از زیبایی و نیکی بیان شده، شاید بتوان ادعا نمود که واژه «حسن» که در **آیه ۳۷ سوره آل عمران** دو بار آمده،

[\[۷\] آل عمران/سوره ۳، آیه ۳۷.](#)

هر کدام در یکی از دو معنای مذکور به کار رفته است، نخست در معنی «نیکی» و سپس در معنی «**زیبی**»: «فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا؛ پس پذیرفتش خدا پذیرفتنی نیکو و رویانیش رویندنی زیبا». آیه فوق درباره **حضرت مریم** و تولد او و پذیرش و پرورشش از سوی **خداوند** می‌باشد. در کتب «مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید» در این باره آمده است. باید خاطر نشان ساخت که در این آیه، حسن دو بار و به توالی آمده است؛ در بار اول معنای آن رفتار «نواز شکرانه و نیکویی» است که **خداوند** نسبت به حضرت مریم نشان می‌دهد. و در بار دوم **پرورش** «تندرستانه» او را تا زمانی که **زنی** زیبا شود، **متبذّر** ذهن می‌سازد.»

[۱۸] ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ص ۵۵۴.

[۱۹] آل عمران/سوره ۳، آیه ۳۷.

اگر چه این احتمال که واژه منکور در «انبتهای نباتات حسنا» به معنی پرورش نیکوی اخلاقی و روحانی مریم باشد بسیار قوی به نظر می‌رسد، همچنان که دیدگاه بسیاری از [مفسران](#) از جمله علامه طباطبایی در «المیزان»

[۱۰] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۳.

و نویسندگان تفسیر نمونه، همین احتمال است. در تفسیر نمونه آمده است: «تعبیر انبته» یعنی «روبانیدن» در مورد پرورش مریم، اشاره به جنبه‌های تکامل معنوی و روحانی و اخلاقی مریم است.

[۱۱] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۲۸.

مفهوم احسان در قرآن

آیه ۹۰ سوره نحل «آیه احسان» نام گرفته است.

[۱۲] یسالونک فی الدین والاحیاء، ج ۳، ص ۲۶۳.

«ان الله یامر بالعدل والاحسان وابتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی...»

[۱۳] نحل/سوره ۱۶، آیه ۹۰.

در این آیه، شش اصل مهم (سه اصل مثبت و سه اصل منفی) دیده می‌شود. به گفته [ابن مسعود](#)، آیه‌ای جامع تر از این در قرآن نیست و [عثمان بن مظعون](#) می‌گوید: از روزی که [رسول خدا](#) صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این آیه را بر من [قرانت](#) کرد، اسلام در دلم جای گرفت و [پیامبر](#) را دوست می‌داشتم.

[۱۴] مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۶۸.

[۱۵] عاملی جبعی، علی بن احمد، روض الجنان، ج ۲، ص ۳۰۰.

[عکرمه](#) نیز نقل می‌کند که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این آیه را بر ولید خواند. ولید گفت: ای پسر برادر! باز هم بخوان. پیامبر دوباره خواند. ولید گفت: به خدا سوگند! در آن [حلاوت](#) و تازگی است. بالای آن میوه دار و زیر آن شاخ آور است و این کلام آئین نیست. از واژه‌ها و مفاهیمی که در [قرآن کریم](#) به صورت فراوان به کار رفته، واژه «احسان» و «محسنین» است، تا حدی که از مشتقات ریشه اصلی این واژه (ح. س. ن.) جمعا ۱۹۴ کلمه در قالب ۲۸ ریخت و صورت، به کار رفته است. کلمه «احسان» با مشتقاتش، ۳۴ بار و واژه «محسن» با مشتقاتش ۳۹ بار در قرآن کریم آمده است.

[۱۶] روحانی، محمود، المعجم الاحسائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۰۶.

[۱۷] روحانی، محمود، المعجم الاحسائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۲، ص ۷۳.

[۱۸] روحانی، محمود، المعجم الاحسائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۳۷۱-۱۳۷۲.

خداوند در قرآن کریم بارها با تعبیر «یحب المحسنین»، مورد محبت الهی بودن «محسنان» را بیان می‌دارد و نیز با این وصف و عنوان پیامبران بزرگ خود، مانند [نوح](#) علیه‌السلام و [ایر اهییم](#) علیه‌السلام را توصیف کرده است.

[۱۹] بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۵.

[۲۰] مائده/سوره ۵، آیه ۱۳.

[۲۱] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۳۴.

[۲۲] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۴۸.

[۲۳] مائده/سوره ۵، آیه ۹۳.

با توجه به بررسی موارد استعمال کلمه «احسان» در قرآن کریم، چنین به نظر می‌رسد که این کلمه دارای معانی کاربردی زیر است:

← خوبی و نیکی به دیگران

همچنانکه در قرآن آمده است: «وإذ أخذنا ميثاق بني اسرائيل لا تعبدون الا الله وبالوالدين احسانا وذی القربى والیتامى والمساكين وقولوا للناس حسنا»

[۲۴] بقره/سوره ۲، آیه ۸۳.

؛ یاد کنید که از [بنی اسرائیل](#) بپیمان گرفتیم که جز [خداوند](#) را نپرستید و به [پدر](#) و [مادر](#) و [خویشاوندان](#) و [یتیمان](#) و [یتیمان](#) نیکی کنید و با [مردم](#) به [زبان](#) خوش سخن بگویید.

[۲۵] انعام/سوره ۶، آیه ۱۵۱.

[۲۶] احقاف/سوره ۴۶، آیه ۱۵.

[۲۷] عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۸.

و در سوره [الرحمن](#) آمده است: «هل جزاء الاحسان الا الاحسان»

[۲۸] رحمن/سوره ۵۵، آیه ۶۰.

؛ آیا جزای نیکوکاری، جز نیکوکاری است؟»

[۲۹] طی، [حسن بن یوسف](#)، نهج الحق، ج ۱، ص ۳۷۷.

البته در آیه فوق کلمه احسان دو بار و به توالی به کار رفته است. بار اول احسان به معنی مطلق رفتار نیک انجام دادن است. در بار دوم، احسان در همین معنا و مفهومی به کار رفته است که در اینجا در صند بیانش هستیم، یعنی انعام و نیکی به غیر، به همین جهت برخی از مفسران به استناد همین آیه، گفته‌اند [پادشاه](#) الهی در [قیامت](#) بیش از عمل انسان در دنیا خواهد بود؛ زیرا تفاوت عدل و احسان این است که در عدل جزا و پادشاه به اندازه عمل است، اما در احسان، پادشاه جزا بیش از عمل و رفتار است؛ همچنان که [راغب اصفهانی](#) در این باره می‌نویسد: «احسان چیزی برتر از عدالت است، زیرا [عدالت](#) این است که انسان، آنچه بر عهده اوست را انجام دهد، و آنچه متعلق به اوست را بگیرد، ولی احسان این است که انسان بیش از آنچه وظیفه اوست انجام دهد و کمتر از آنچه حق او است را بگیرد.»

[۳۰] [راغب اصفهانی](#)، [حسین بن محمد](#)، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۱۱۹.

همچنین [حضرت علی](#) علیه‌السلام در [نهج البلاغه](#) درباره تفاوت رعایت عدل با رعایت احسان می‌فرماید: «العدل الانصاف و الاحسان التفضل؛ عدل رعایت انصاف و احسان انعام و بخشش است.»

[۳۱] [شرف رضی](#)، نهج البلاغه، ص ۳۴۹، حکمت ۲۳۱.

«در مورد این صورت از کاربرد احسان، در نهج البلاغه آمده است: «احسنوا فی عقب غیرکم تحفظوا فی عقبکم؛ به بازماندگان دیگران نیکی کنید، تا [حرم](#)ت بازماندگان شما حفظ شود.»

← انجام عمل به نحو نیکو و کامل

همچنان که در قرآن کریم آمده است: «الذی احسن کل شیء خلقه»

[۳۲] سجده/سور ۳۲، آیه ۷.

کسی که هر چیز را که آفرید، نیکو آفرید. در **تفسیر نمونه** درباره معنای آیه فوق آمده است: «آیه اشارهای به نظام احسن **آفرینش** به طور عموم و سرآغازی برای بیان **خلقت** انسان و مراحل **تکامل** او به طور خصوص است، «الذی احسن کل شیء خلقه» و به هر چیز نیاز داشت داد، و به تعبیر دیگر بنای کاخ عظیم خلقت بر «**نظام احسن**» یعنی بر چنان نظامی استوار است که از آن کامل تر تصور نمی‌شود.»

[۳۳] مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۱۷، ص ۱۲۳.

در آیه‌های دیگر خداوند می‌فرماید: «الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان»

[۳۴] بقره/سور ۲، آیه ۲۲۹.

«طلاق» دو بار است پس از آن یا باید او را به طور شایسته (**هسر** خود) نگاه داشت، یا به نیکوی رها کرد. منظور از «تسریح به احسان» یعنی رها کردن **زن** به نحو شایسته و نیکو انجام گیرد و همراه با **انیت** و **آزار** نباشد، و به عبارت روشن تر، این کار به نحو احسن و خوب انجام گیرد. همچنان که در تفسیر نمونه آمده است: «همان طور که رجوع و نگاهداری زن قید «معروف» دارد یعنی رجوع و نگاهداری باید بر اساس صفا و **صمیمیت** باشد، جدایی هم مقید به احسان است یعنی تفرقه و جدایی باید از هر گونه امر ناپسندی مانند **انتقام جویی** و ابراز **خشم** و **کینه خالی** باشد» علاوه بر آیاتی که از آنها در متن بحث شد در آیت زیر نیز واژه احسان در معنی فوق به کار رفته است:

[۳۵] بقره/سور ۲، آیه ۱۰۰.

[۳۶] بقره/سور ۲، آیه ۱۷۸.

[۳۷] کهف/سور ۱۸، آیه ۳۰.

[۳۸] غافر/سور ۴۰، آیه ۶۴.

[۳۹] تغابن/سور ۶۴، آیه ۳.

[۴۰] مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۲، ص ۱۶۷.

واژه احسان در همین معنا و کاربرد در نهج البلاغه نیز به کار رفته است: «قبیله کل امری ما یحسنه؛ ارزش هر انسانی به اندازه امور و کارهایی است که آنها را به نحو نیکویی انجام می‌دهد.»

[۴۱] شریف رضی، **نهج البلاغه**، ص ۳۲۸، حکمت ۸۱.

در این کلام مقدار و ارزش هر انسانی، هم سنگ تخصص و **مهارت** و دانایی او بر انجام درست و نیکوی امور و کارها، شمرده شده است، که از آن اهمیت دانایی و تخصص و مهارت و آگاهی به انجام امور در انسان‌ها استفاده می‌شود. شاید به خاطر وجود همین نکته در عبارت فوق باشد که **سید رضی** جمع آوری کننده نهج البلاغه بعد از نقل عبارت بالا، می‌نویسد: «و هی الکلمه الّتی لا تصلب لها قیمة و لا توزن بها حکمة و لا تقرن الیها کلمة؛ این از کلماتی است که قیمتی برای آن تصور نمی‌شود و هیچ حکمتی هم سنگ آن نبوده و هیچ سخنی و آلائی آن را ندارد.» و نیز در نهج البلاغه آمده است: «و احسنوا تلاوتہ، فانه انفع القصص؛ **قرآن** را نیکو تلاوت کنید که سود بخش‌ترین سخن هاست.»

[۴۲] شریف رضی، **نهج البلاغه**، ص ۳۲۸، حکمت ۸۱.

← انجام کارهای نیک و رفتار صالح

همچنان که در قرآن کریم آمده است: «قل یا عباد الذین امنوا اتقوا ربکم للذین احسنوا فی هذه الدنیا حسنة»

[۴۳] زمر/سور ۳۹، آیه ۱۰.

؛ بگوی ای بنگن مومن از پروردگارتان پروا کنید، برای کسانی که در این دنیا نیکو کنند **اعمال صالح انجام دهند** پاداش نیکو است». در این آیه «احسان» در مورد انجام اعمال نیک و صالح و بروز رفتارهای شایسته به کار رفته است. و در **سوره انعام** آمده است: «ثم آتینا موسی الکتب تماما علی الذی احسن؛

[۴۴] انعام/سور ۶، آیه ۱۵۴.

باری به موسی کتب آسمانی دادیم، برای اینکه نعمت را بر کسی که نیکو **اعمال و رفتار صالح** انجام داده بود...». در این آیه اعطای **کتب آسمانی** به خاطر انجام اعمال و رفتار نیک و صالح از سوی **حضرت موسی** یا کلیه پیروان او (بنابر اختلاف تفاسیر) ذکر شده است.

[۴۵] نحل/سور ۱۶، آیه ۳۰.

[۴۶] نمل/سور ۲۷، آیه ۹۰.

[۴۷] رحمن/سور ۵۵، آیه ۶۰.

[۴۸] آل عمران/سور ۳، آیه ۱۷۲.

[۴۹] مائده/سور ۵، آیه ۹۳.

[۵۰] یونس/سور ۱۰، آیه ۲۶.

[۵۱] زمر/سور ۳۹، آیه ۱۰.

[۵۲] اسراء/سور ۱۷، آیه ۷.

[۵۳] نساء/سور ۴، آیه ۱۲۸.

[۵۴] قصص/سور ۲۸، آیه ۷۷.

[۵۵] بقره/سور ۲، آیه ۱۹۵.

البته روشن است که نیکو و انعام و تفضل به غیر، که یکی از معانی کاربردی احسان است و قبلا از آن بحث شد، از جهت اینکه به خودی خود یک کار خوب و نیک و رفتاری صالح محسوب می‌شود، داخل در محدوده این معنی سوم بوده و این معنای از احسان شامل آن نیز می‌شود. در کتاب «مفاهیم اخلاقی دینی قرآن مجید» در این باره چنین آمده است: «فعل احسن» که مصدر آن «احسان» است، یکی از **اصطلاحات اخلاقی** اساسی در قرآن می‌باشد، عموماً معنای آن «نیکو کردن» است، اما در کاربرد عملی قرآن، این واژه عمدتاً به دو نوع ویژه از «نیکو» اطلاق می‌شود: **تقوا** و پرهیزکاری نسبت به خداوند و همه اعمال انسانی که از آن سرچشمه می‌گیرد و اعمالی که محرک آن **روح حطم** است.»

[۵۶] ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ص ۴۵۹.

سپس با ذکر قسمتی از این آیه: «من یتق و یصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین»

[۵۷] یوسف/سور ۱۲، آیه ۹۰.

؛ هر کس پروا و شکیبایی پیشه کند، خداوند پاداش نیکوکاران را فرو نمی‌گذارد» **اطلاق** اول را توضیح می‌دهد که: «باید خاطر نشان ساخت که در اینجا محتوای معنایی احسان به تقوا و **صبر** تعریف شده است که هر دوی آنها از خاصه‌های **انسان مؤمن** است.»

[۵۸] ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ص ۴۶۳.

؛ نویسنده سپس با ذکر آیه «وسار عوا الی مغفره من ربکم و جنبه عرضها السماوات و الارض اعدت للمتقین الذین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ و العاقبین عن الناس و الله یحب المحسنین»

[۵۹] آل عمران/سور ۳، آیه ۱۳۳.

[۶۰] آل عمران/سور ۳، آیه ۱۳۴.

؛ و برای نبل به **آمزش** پروردگار تن و **بپشتی** که پهنای آن هم چند **آسمانها** و **زمین** است و برای پرهیزکاران آمده شده است، بشتابید کسانی که در راحت و **رنج** انفاق می‌کنند و **خشم** خود را فرو می‌خورند و از مردمان در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را **دوست** دارد،» معنی دوم را توضیح می‌دهد و می‌نویسد: «کسی که همیشه خواهان دستگیری از مستمندان می‌باشد، دیر خشم، بخشنده تاذیها و چشم پوشنده از **قصاص** و تلافی کردن است، همه اینها تجسم و تجلی **فضیلت حلم** است.»

[۴۱] ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ص ۴۶۳.
در کتب منکوره، اگر چه فقط به همین دو معنی و کاربرد برای واژه احسان اشاره شده و از کاربرد دیگر این واژه **غفلت** شده است اما این مطلب کتب قابل توجه است که یکی از کاربردها و معانی احسان را معادل اعمالی می‌گیرد که ناشی از تقوا و پرهیزکاری می‌باشد، و این را می‌توان ادعا نمود که در برخی از کاربردهای واژه احسان در قرآن کریم، این لفظ تقریباً مترادف با رعایت تقوا و پرهیزکاری که شرط اصلی آن **اخلاص** و **نیّت** پاک است به کار رفته است. و از صریح‌ترین آیات در این زمینه، آیت ۴۱ تا ۴۴ **سوره مرسلات** است که در آنها واژه «محسنین» هم طراز و هم سنگ واژه «متقین» گرفته شده است و می‌توان از آن، مقدار ارتباط معنایی «احسان» و تقوا را بدست آورد: «ان المتقین فی ظلال و عیون و فواکه مما یشتهون کلوا و اشربوا هنینا بما کنتم تعملون انا کذلک نجزی المحسنین؛ پرهیزکاران در سایه ساران و [۵۶] چشمه ساراند و میوه‌هایی که دلخواهشان است، به خاطر کارهایی که کردند، بخورند و بنوشند و گوارا، ما بدین گونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم.»

مفهوم محسنین در قرآن

یکی از واژه‌های اساسی و کلیدی در **قرآن کریم**، واژه «محسن» و مشتقات آن می‌باشد. این واژه **اسم فاعل** از فعل «احسن» می‌باشد. در آیت متعددی از قرآن کریم، از برخی پیامبران الهی با عنوان «محسنین» یاد شده است

[۴۲] یوسف/سور ۱۲، آیه ۲۲.

[۴۳] یوسف/سور ۱۲، آیه ۵۶.

[۴۴] یوسف/سور ۱۲، آیه ۹۰.

[۴۵] انعام/سور ۶، آیه ۸۴.

[۴۶] صافات/سور ۳۷، آیه ۷۵.

[۴۷] صافات/سور ۳۷، آیه ۷۶.

[۴۸] صافات/سور ۳۷، آیه ۷۷.

[۴۹] صافات/سور ۳۷، آیه ۷۸.

[۷۰] صافات/سور ۳۷، آیه ۷۹.

[۷۱] صافات/سور ۳۷، آیه ۸۰.

[۷۲] صافات/سور ۳۷، آیه ۸۱.

[۷۳] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۴.

[۷۴] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۵.

[۷۵] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۹.

[۷۶] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۱۱.

[۷۷] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۰.

[۷۸] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۱.

[۷۹] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۲.

[۸۰] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۳۰.

[۸۱] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۳۱.

[۸۲] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۳۲.

به عنوان نمونه:

۱. «و نادیناه ان یا ابراهیم قد صدقت الرؤیا انا کذلک نجزی المحسنین

[۸۳] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۴.

[۸۴] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۵.

؛ و ندایش دادیم که‌ای **ابراهیم** رویت را به **حقیقت** باور داشتی، ما بدینسان نیکوکاران را جزا می‌دهیم.» **آیت** بالا جزو آیاتی است که داستان **روای حضرت ابراهیم** علیه‌السلام درباره **ذبح** فرزندش و در صدد جامه عمل پوشاندن این روای که یک فرمان الهی بود، از سوی او را بیان می‌دارد و بعد از این **اطاعت** بی چون و چرای ابراهیم از فرمان الهی بود که از زمره «محسنین» شمرده می‌شود.

۲. «سلام علی موسی و هارون انا کذلک نجزی المحسنین انهما من عبادنا المؤمنین

[۸۵] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۰.

[۸۶] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۱.

[۸۷] صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۲.

؛ سلام بر **موسی** و **هارون**، ما بدینسان نیکوکاران را جزا می‌دهیم که آن دو از بندگان مؤمن ما بودند». مسلماً خداوند به خاطر رفتار صالح فراوان حضرت موسی و هارون آن دو را به وصف «محسنین» توصیف نموده است. از بررسی آن دسته از آیاتی که در آنها واژه‌های «محسن»،

[۸۸] بقره/سور ۲، آیه ۱۱۲.

[۸۹] نساء/سور ۴، آیه ۱۲۵.

«محسنین»

[۹۰] بقره/سور ۲، آیه ۱۹۵.

[۹۱] مائده/سور ۵، آیه ۱۳.

[۹۲] آل عمران/سور ۳، آیه ۱۳۴.

[۹۳] آل عمران/سور ۳، آیه ۱۴۸.

[۹۴] مائده/سور ۵، آیه ۹۳.

و «محسنات»

[۹۵] احزاب/سور ۳۳، آیه ۲۹.

به کار رفته است، این نتیجه به دست می‌آید که این واژه در قرآن در دو معنی خیر رساننده و نیکی کننده به دیگران و کسی که کارهای نیک و رفتار صالح انجام می‌دهد، به کار رفته است.

۱. «الذین ینفقون فی السراء والضراء والکاملین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین

[۹۶] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۳۴.

؛ کسانی که در راحت و رنج انفاق می‌کنند و **خشم** خود را فرو می‌خورند و از مردمان در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد» از اینکه بدنبال ذکر آن اوصاف و رفتارها تعبیر به «**و الله یحب المحسنین**» شده، معلوم می‌شود که اوصاف و رفتارهای ذکر شده معرف «**محسنین**» است، همچنان که علامه طباطبایی در ذیل **آیه** می‌نویسد: «در این گفته خداوند «**و الله یحب المحسنین**» این اشاره وجود دارد که اوصاف قبلی، معرف عنوان محسنین است.

[۹۷] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۰.

۲. «فاعف عنهم واصفح ان الله یحب المحسنین؛

[۱۱۸] مائده/سوره ۵، آیه ۱۳.

پس آنان را ببخش و بگذار و بگذر که خداوند نیکوکاران را دوست دارد». در این آیه نیز عنوان «**محسن**» درباره کسانی است که خیر و خوبی آنان شامل حال دیگران شده است.

← عمل صالح و رفتار نیکو

اکنون به بررسی برخی از آیاتی که در آنها واژه محسن و یا مشتقاتش در معنای علم و مطلق (یعنی کسی که دارای اعمال صالح و رفتار نیکو می‌باشد) به کار رفته است، می‌پردازیم.

۱. «والذین جاهدوا فینا لنهینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین؛

[۹۹] عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۶۹.

و کسانی را که در حق ما کوشیدند به راه‌های خاص خویش رهنمون می‌شویم و بی گمان خداوند با نیکوکاران است». **جهاد** و **مجاهده** همچنان که راغب اصفهانی در مفردات گفته،

[۱۰۰] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۱۰۱.

یعنی به کارگیری توان و **نیرو** در راه مواجهه و مقابله با **دشمن**، و این کار بر سه قسم است: ۱. **جهاد با دشمن ظاهری**، ۲. **جهاد با شیطان**، ۳. **جهاد با نفس** و خواست‌های نفسانی. و تعبیر «**فینا**» در آیه شریفه می‌رساند که این تلاش و مواجهه در ارتباط با خداوند و درباره امور اعتقادی و رفتاری متعلق به او می‌باشد.

[۱۰۱] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۵۱.

بنابراین، منظور از **جهاد** و **مجاهده** در آیه فوق، معنای علمی خواهد بود که شامل هر نوع تلاش و کوشش در راه خدا می‌شود، اعم از اینکه تلاش در زمینه تقویت و تبلور **ایمان** و اعتقاد باشد و یا اینکه تلاش و **مجاهده** در زمینه انجام **اوامر الهی** و مبارزه با **نفس** و عوامل **گناه** و **معصیت** باشد.

۲. «تلك آیت الکتب الحکیم هدی ورحمه للمحسنین الذین یقیمون الصلاه ویؤتون الزکاه و هم بالآخره هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحون

[۱۰۲] لقمان/سوره ۳۱، آیه ۲.

[۱۰۳] لقمان/سوره ۳۱، آیه ۵.

؛ این کتاب حکمت آموز است، رهنمود و رحمتی برای نیکوکاران همان کسانی که **نماز** را بر پا می‌دارند و **زکات** را می‌پردازند و به **آخرت یقین** دارند، اینان که از سوی پروردگارش از هدایتی برخوردارند و هم اینانند که رستگارند». در آیه فوق از طرفی هدف از نزول آیهت قرآن شمول **رحمت** و **هدایت** بر محسنان شمرده شده و از طرف دیگر توصیفی از رفتار و حال و هوای محسنان ارائه می‌شود و در پایان، عاقبت امر محسنان که همان **فلاح** و **رستگاری** است، بیان داشته می‌شود. قابل توجه اینکه، گاهی قرآن مایه هدایت متقین ذکر شده است،

[۱۰۴] بقره/سوره ۲، آیه ۲.

گاهی مایه هدایت مؤمنین

[۱۰۵] نمل/سوره ۲۷، آیه ۲.

و در آیه محل بحث، مایه هدایت «**محسنین**» ذکر گردیده است.

۳. «وکاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما و هونا لما اصابهم فی سبیل الله وما ضعفوا وما استکانوا والله یحب الصابین وما کن قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین فاتمام الله ثواب الدنیا وحسن ثواب الآخره والله یحب المحسنین؛

[۱۰۶] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۴۶.

[۱۰۷] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۴۷.

[۱۰۸] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۴۸.

و چه بسیار پیامبرانی که همراه ایشان توده‌های انبوه **نبرد** کردند و از هر رنجی که در راه خدا دیدند نه سستی ورزیدند و نه **ضعف** و زبونی نشان دادند و خداوند شکیبایان را **دوست** دارد و سخن ایشان جز این نبود که گفتند پروردگارا گناهان ما و گزافکاری هایمان را در کارمان بیامرز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را به خدا شناسان پیروز گردان. آنگاه خداوند به آنان پاداش دنیوی و **پاداش** نیک اخروی عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد». در آیه بالا صحبت از گروهی ثابت قدم و استوار در راه خداست که هرگز در راه دفاع از **دین** حق به خود تزلزل و سستی راه نمی‌دهند و از چیزی در این راه نگران نبوده مگر از نافرمانی پروردگار خود و کوتاهی در انجام **تکالیف** خداوند، و از این گروه با عنوان «**ربی**» یاد می‌کند. «**ربی**» بنا به گفته **علامه طباطبایی**

[۱۰۹] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱.

مانند «**ربانی**» کسی است که خود را به پروردگار اختصاص داده و به چیزی دیگر غیر از **اطاعت** فرمان الهی اشتغال ندارد. و این مقامی بس بزرگ است. حال خداوند در پایان آیه از چنین گروهی با وصف «**محسنین**» یاد کرده و بیان می‌دارد که آنان مورد **محبت** او هستند.

۴. «و اذا سمعوا ما انزل الی الرسول تری اعینهم تقیض من الذمع مما عرفوا من الحق یقولون ربنا ائمانا فاکتبنا مع الشاهدین وما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق ونطمع ان یخلفنا ربنا مع القوم الصالحین فاتمام الله بما قالوا جنت تجری من تحتها الانهار خالدین فیها وذلک جزاء المحسنین؛

[۱۱۰] مائده/سوره ۵، آیه ۸۳.

[۱۱۱] مائده/سوره ۵، آیه ۸۵.

و چون آنچه بر پیامبر [۱۰۸] نازل شده است، بشنوند می‌بینی که چشمانشان از **اشک** لبریز می‌شود، از آنکه حق را می‌شناسند و می‌گویند پروردگارا ما **ایمان** آورده‌ایم، ما را در زمره گواهان بنویس، و چرا به **خداوند** و حق حقیقتی که برای همه ما نازل شده است، ایمان نیاوریم و حال آنکه امیدواریم که پروردگار ما را در زمره شایستگان در آورد. و خداوند نیز به **پاداش** این سخن که گفتند، بوستان‌هایی که جویباران از فرودست آن جاری است، نصیبشان می‌سازد که جاودانه در آن خواهند بود و این پاداش نیکوکاران است». در آیهت بالا توصیف به «**محسنین**» شامل حال کسانی شده که رفتار اعتقادی صالحانه‌ای که عبارت از ایمان به خداوند و **پیامبر** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کتاب آسمانی قرآن است، داشته‌اند.

پانویس

۱. ↑ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. ↑ الحمد فی فارس، معجم مقابیس اللغه، ج ۲، ص ۵۷.

۳. [↑](#) [الحزب/سور ۳۲، آیه ۵۲.](#)
۴. [↑](#) [عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۸.](#)
۵. [↑](#) [قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۳۴.](#)
۶. [↑](#) [راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۱۱۸.](#)
۷. [↑](#) [آل عمران/سور ۳، آیه ۳۷.](#)
۸. [↑](#) [ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ص ۵۵۴.](#)
۹. [↑](#) [آل عمران/سور ۳، آیه ۳۷.](#)
۱۰. [↑](#) [طباطبایی، محسن، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۳.](#)
۱۱. [↑](#) [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۲۸.](#)
۱۲. [↑](#) [یسالونک فی الدین والحبیه، ج ۳، ص ۲۶۳.](#)
۱۳. [↑](#) [نحل/سور ۱۶، آیه ۹.](#)
۱۴. [↑](#) [مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۶۸.](#)
۱۵. [↑](#) [علمی جبعی، علی بن احمد، روض الجنان، ج ۲، ص ۳۰۰.](#)
۱۶. [↑](#) [روحانی، محمود، المعجم الاحسائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۰۶.](#)
۱۷. [↑](#) [روحانی، محمود، المعجم الاحسائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۲، ص ۷۳.](#)
۱۸. [↑](#) [روحانی، محمود، المعجم الاحسائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۳۷۱-۱۳۷۲.](#)
۱۹. [↑](#) [بقره/سور ۲، آیه ۱۹۵.](#)
۲۰. [↑](#) [مائده/سور ۵، آیه ۱۳.](#)
۲۱. [↑](#) [آل عمران/سور ۳، آیه ۱۳۴.](#)
۲۲. [↑](#) [آل عمران/سور ۳، آیه ۱۴۸.](#)
۲۳. [↑](#) [مائده/سور ۵، آیه ۹۳.](#)
۲۴. [↑](#) [بقره/سور ۲، آیه ۸۳.](#)
۲۵. [↑](#) [انعام/سور ۶، آیه ۱۵۱.](#)
۲۶. [↑](#) [احقاف/سور ۴۶، آیه ۱۵.](#)
۲۷. [↑](#) [عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۸.](#)
۲۸. [↑](#) [رحمن/سور ۵۵، آیه ۶.](#)
۲۹. [↑](#) [حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق، ج ۱، ص ۳۷۷.](#)
۳۰. [↑](#) [راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۱۱۹.](#)
۳۱. [↑](#) [شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۳۴۹، حکمت ۲۳۱.](#)
۳۲. [↑](#) [سجده/سور ۳۲، آیه ۷.](#)
۳۳. [↑](#) [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۳.](#)
۳۴. [↑](#) [بقره/سور ۲، آیه ۲۲۹.](#)
۳۵. [↑](#) [بقره/سور ۲، آیه ۱۰.](#)
۳۶. [↑](#) [بقره/سور ۲، آیه ۱۷۸.](#)
۳۷. [↑](#) [کهف/سور ۱۸، آیه ۳۰.](#)
۳۸. [↑](#) [غافر/سور ۴۰، آیه ۶۴.](#)
۳۹. [↑](#) [تغابین/سور ۶۴، آیه ۳.](#)
۴۰. [↑](#) [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۷.](#)
۴۱. [↑](#) [شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۳۲۸، حکمت ۸۱.](#)
۴۲. [↑](#) [شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۳۲۸، حکمت ۸۱.](#)
۴۳. [↑](#) [زمر/سور ۳۹، آیه ۱۰.](#)
۴۴. [↑](#) [انعام/سور ۶، آیه ۱۵۴.](#)
۴۵. [↑](#) [نحل/سور ۱۶، آیه ۳.](#)
۴۶. [↑](#) [نمل/سور ۲۷، آیه ۹.](#)
۴۷. [↑](#) [رحمن/سور ۵۵، آیه ۶.](#)
۴۸. [↑](#) [آل عمران/سور ۳، آیه ۱۷۲.](#)
۴۹. [↑](#) [مائده/سور ۵، آیه ۹۳.](#)
۵۰. [↑](#) [یونس/سور ۱۰، آیه ۲۶.](#)
۵۱. [↑](#) [زمر/سور ۳۹، آیه ۱۰.](#)
۵۲. [↑](#) [اسراء/سور ۱۷، آیه ۷.](#)
۵۳. [↑](#) [نساء/سور ۴، آیه ۱۲/۸.](#)
۵۴. [↑](#) [قصص/سور ۲۸، آیه ۷۷.](#)
۵۵. [↑](#) [بقره/سور ۲، آیه ۱۹۵.](#)
۵۶. [↑](#) [ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ص ۴۵۹.](#)
۵۷. [↑](#) [یوسف/سور ۱۲، آیه ۹.](#)
۵۸. [↑](#) [ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ص ۴۶۳.](#)
۵۹. [↑](#) [آل عمران/سور ۳، آیه ۱۳۳.](#)

۶۰. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۳۴](#) [↑](#) ایروئتسو، نوسهپیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ص ۴۶۳.
۶۱. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۲۲](#).
۶۲. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۵۶](#).
۶۳. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۹۰](#).
۶۴. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۸۴](#).
۶۵. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۷۵](#).
۶۶. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۷۶](#).
۶۷. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۷۷](#).
۶۸. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۷۸](#).
۶۹. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۷۹](#).
۷۰. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۸۰](#).
۷۱. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۸۱](#).
۷۲. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۴](#).
۷۳. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۵](#).
۷۴. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۹](#).
۷۵. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۱۱](#).
۷۶. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۰](#).
۷۷. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۱](#).
۷۸. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۲](#).
۷۹. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۳۰](#).
۸۰. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۳۱](#).
۸۱. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۳۲](#).
۸۲. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۴](#).
۸۳. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۰۵](#).
۸۴. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۰](#).
۸۵. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۱](#).
۸۶. [↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۱۲۲](#).
۸۷. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۱۲](#).
۸۸. [↑ نسا/سور ۴، آیه ۱۲۵](#).
۸۹. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۹۵](#).
۹۰. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۱۳](#).
۹۱. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۳۴](#).
۹۲. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۴۸](#).
۹۳. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۹۳](#).
۹۴. [↑ احزاب/سور ۳۳، آیه ۲۹](#).
۹۵. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۳۴](#).
۹۶. [↑ طباطبایی، مححسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۰](#).
۹۷. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۱۳](#).
۹۸. [↑ عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۶۹](#).
۹۹. [↑ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۱۰۱](#).
۱۰۰. [↑ طباطبایی، مححسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۵۱](#).
۱۰۱. [↑ لقمان/سور ۳۱، آیه ۲](#).
۱۰۲. [↑ لقمان/سور ۳۱، آیه ۵](#).
۱۰۳. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۲](#).
۱۰۴. [↑ نمل/سور ۲۷، آیه ۲](#).
۱۰۵. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۴۶](#).
۱۰۶. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۴۷](#).
۱۰۷. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۴۸](#).
۱۰۸. [↑ طباطبایی، مححسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱](#).
۱۰۹. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۸۳](#).
۱۱۰. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۸۵](#).
- ۱۱۱.

